

محتوای

انقلاب ما

دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی

بسم الله الرحمن الرحيم

x نام : محتوای انقلاب ما
x نویسنده : علی اصغر حاج سید جوادی
x ناشر : کانون انتشارات ناصر قم
x تایپ : تایپ ناما
x مورخ : اول اسفند ۱۳۵۷
x اقتباس : از روزنامه کیهان

انقلاب اجتماعی ایران از دورون خصوصیات تاریخی و قومی مردم جوشیده است، همه جنبشهای تاریخی ریشه و اساس از بیعدالتی و، ظلم است، و در این زمینه هیچ جنبشی را بر جنبش دیگر ارجحیت نیست هر جنبشی دارای خصوصیات زمانی و مکانی خویش است و در، تکامل شرایط تاریخی از ترکیب عوامل مختلف اجتماعی واقتم^د بوجود میآید.

تاریخ نهضت‌های آزادیخواهی ایران در قرن اخیر نظیر همه، جنبشهای تاریخی هدفش نابودی بیعدالتی و استبداد بوده است. در آن روزگار محتوی انقلاب اجتماعی ایران معطوف به محور آثار ظاهری و نشانه‌های بیرونی بیعدالتی، یعنی استبداد مطلقه سلاطین بود و در جست‌وجوی قالب این انقلاب نهضت مشروطه در دام جاذبه‌های سطحی دموکراسی بورژوازی غربی و قالب سلطنت مشروطه آن در افتاد و این قالب بسرعت در زیر سلطه استعمارگران انگلیسی بصورت نخستین خود یعنی سلطنت استبدادی و همه آثار ظلم و بیعدالتی آن در آمده

پس از جنگ دوم جهانی بخشی از روشنفکران غرب زده ما سرخورده از حیل‌های سرمایه‌داری غرب و روابط استثماری ستمگرانه آن به قالب دیگری از تحول انقلابی سرمایه‌داری صنعتی غرب یعنی مارکسیسم رو آوردند این قالب نیز بدون اینکه به تجربه انقلابی توده‌های ستمدیده ایران زده شود و از ریشه خصوصیات فرهنگی و جغرافیائی و اقتصادی ایران تغذیه شده باشد در برخورد با واقعیات و نیازمندیهای ملی و قومی و مذهبی جامعه با شکست روبه رو شده

زیرا محتوای این ایدئولوژی هم با از خود بیگانگی ناشی از تقلید نتوانست با نیازهای توده‌های ایرانی رابطه برقرار کند، و امروز در جهانی که پس از شکست در دیالکتیک انترناسیونالیزم، در جست و جوی هماهنگ کردن محتوای انقلاب خود با قالبی برآمده از خصوصیات تاریخی و جغرافیائی خویش است، جنبش انقلابی مردم ایران بارزترین خصوصیت این جست و جو را نشان میدهد

میشل فوکو فیلسوف نامدار فرانسوی در سفرهای اخیر خود به ایران این خصوصیت را در معنویت سیاسی می‌نامد. مردمی سرخورده از هجوم ایدئولوژیهای غربی در قرن اخیر، که استعمار و اسارت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شاخصترین آثار آن بوده است اکنون در اعتراض خود علیه بیعدالتی در ژرفنای مایه‌های انقلابی تشیع چارچوب محتوی و قالب انقلاب اجتماعی، خود را می‌سازد

چارچوبی که رنگ تعلق ایدئولوژیهای وارداتی بیگانه آزاد

است، رهائی از اسارت مادی و اقتصادی را با معنویت در می آمیزد که در آن شرایط تمرکز قدرت و استقرار استبداد و خود کامگی را در همه وجوه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود منتفی میسازد.

معنویت سیاسی یک تخیل و تصور ساده و یا مبتنی بر ساده لوحی های فرهنگی یک جامعه نیست بلکه تلاشی است ناشی از سرخوردگی های گوناگونی که در جامعه مادر برخوردار با نظام استبدادی خود و ایدئولوژیهای وارداتی بیگانه بدست آورده است.

مسئله اساسی انقلاب ما برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و نابودی کلیه بنیادهای سیاسی استبدادی حاکم بر جامعه است، این عدالت در انقلاب ما باید کلی فارغ از ضوابط ظالمانه سرمایه داری و شیوه های گوناگون بهره کشی آن باشد، این عدالت باید موجد قدرت زحمتکشان حاکمیت آنها بر سرنوشته خویش باشد. این عدالت باید از هرگونه وابستگی به کانونهای استبدادی و استعماری جهانی رها باشد.

بایجهت محتوی انقلاب اجتماعی ما مشخص است و همه گروهها و همه احزاب و همه افرادی که در شمول این تحول قرار میگیرند راهی جز قبول این ضوابط ندارند.

مسئله اساسی تنظیم قالبی است که نظام سیاسی ما را شکل می بخشد یعنی معنویت سیاسی این نظام را هویتی انسانی می بخشد. مادر تلاش ایجاد این هویت انسانی و این معنویت سیاسی هستیم و در این تلاش هر انسانی و هر گروهی میتواند خارج عقده هائی که بطور مستقیم ناشی از کمبود آگاهی های فرهنگی و سیاسی است، با شهامت و شجاعت در راه همبستگی و اتحاد و تشکل مبارزه عظیمی

که در پیش پای مردم ایران قرار دارد گام بردارده.

* * * *

عجبا که بر سر بحران کنونی ایران دولتهای اسرائیل و مصر و عربستان سعودی نگران می شوند و در این نگرانی با همه دشمنی ظاهری باهم اتفاق نظر دارند، بحران ایران دولتهای زیادی، رانگران کرده است دولتهایی که بخش مهمی از شکوفائی اقتصاد، خود را از ورشکستگی اقتصادی ایران بدست آورده اند در این نگرانی در جهت مصالح خود معق هستند، دولی که نفت ایران را با شرایط سهل و ارزان میبردند و در مقابل بزرگترین وارد کننده کالا، فروشنده مصنوعات خود به ایران هستند هیچ تمایلی به از دست دادن چنین مشتری پولدار و مطیع نیستند، چرا رژیم ایران به اجرای طرحهای عظیم و پرخرج و غیر اقتصادی در برابر کشورهای مثل، انگلیس و آلمان و فرانسه آمریکا متعهد شده بود؟

برای اینکه از این راه پول بیشتری به کیسه این کشورها میریزد و زمینه مساعدتری برای دزدی و غارت طبقه حاکمه فراهم میشود چرا رژیم با اجرای طرح کاذب اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع و جنگلها و طرح شرکتهای کشت و صنعت و اعطای وامها و اعتبارات بزرگ کشاورزی ایران را نابود کرد؟

برای اینکه از این طریق میلیاردها دلار در سال برای تامین مواد غذایی و مصرف داخلی به کشورهای دیگر پرداخت میکرد. چرا آمریکا با فروش میلیاردها دلار اسلحه و بکار گماشتن سی، چهل هزار کارشناس نظامی در ایران به خرج ما ایران را بخیال به صورت ژاندارم منطقه در آورده بود؟

۷
برای اینکه دیگر نخواست با پول مالیات دهندگان امریکائی
هزینه سیستم دفاعی خود را در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ،
تامین کند .

این مردم ستم دیده ایران بودند که در زیر نظام سیاسی استبدادی
و پلیسی میبایست مخارج تاء مین و اجرای سیاست نظامی امریکا را
در منطقه تقبل کنند .

اما این همه برای مردم ایران جز مصیبت چند جانبه نبود ،
اول تحمل یک نظام استبدادی فاسد و دوم ویرانی منابع تولیدی
صنعتی و کشاورزی ایران به نفع اقتصاد بیگانگان و سوم تخصیص
همه درآمدها و ثروتهای ملی بجای اجرای برنامه های واقعی اقتصادی
و عمرانی به هزینه های نظامی و تشلیحاتی و چهارم ، محرومیت کامل
و مطلق از هرگونه پیشرفت اجتماعی و تجربه در زمینه های سیاسی
و اداری و تقنینی و قضائی دموکراتیکه

ایران در مدت ۲۵ سال گذشته با میلیاردها دلار درآمدها سالانه
و در زیر سلطه رژیم استبدادی بصورت لقمه های بسیار لذیذ و گوارا
برای قدرتهای بزرگ و کوچک جهان درآمده بود ، بگونه ای که اکنون
با انفجار عظیم نارضایتی مردم ایران همه این قدرتها حتی ،
کشورهای شکست خورده و ورشکسته ای نظیر مصر و رژیمهای فاسد
و مستبدی نظیر عربستان سعودی نیز از این بحران دچار نگرانی
و وحشت شده اند .

و این طبیعی است زیرا انقلاب ایران موجی است که بخاطر ،
قدرت و فشار عوامل مختلف انفجاری آن سراسر خاورمیانه را در بر
میگیرد ، رژیم برای جلب حمایت و دوستی رژیمهای متزلزلی نظیر

مصر صدها میلیون دلار به آنها وام و کمکهای بلاعوضه یا بانرخهت بسیار پائینتر از نرخهای بین المللی وام داده است. رژیم استبدادی نه تنها به کشورهای نظیر مصر و اردن و اسرائیل و سنگال و کره جنوبی و فیلیپین و پاکستان و هندوستان میلیاردها دلار وام داده است بلکه ایران را بصورت بازار مناسبی برای واردات آنها در آورده بود و حتی هزاران نفر از افراد بی کار آنها را برای کار در ایران استخدام نموده.

رژیمهای فاسد و مستبدی نظیر عربستان سعودی یا ناپودی، رژیم استبدادی ایران و یا تضعیف آن یکی از شرکای با قدرت و نفوذ خود را از دست میدهند و یک ایران آزاد و مستقل نمونه الگوی مناسبی برای متزلزل کردن و نابود کردن اینگونه رژیمهای فاسد و مرتجع در منطقه بوجود می آورده.

در آمد ناشی از فروش شش میلیون بشکه نفت در روز بوسیله رژیم فاسد ایران چگونه خرج می شد؟ و برای ادامه این غارت همه جانبه، رژیم می بایست به چه وسایلی از اعمال فشار و شکنجه و سرکوبی و سانسور و اختناق نسبت به مردم ایران متوسل شود؟ و برای حفظ خود و حمایت از رژیمهای نظیر خود و جلب حمایت و دوستی قدرتهای بیگانه چگونه می بایست ثروتهای ملی ایران را بین این قدرتها به اشکال مختلف کمک و وام و اعتبار و خرید تقسیم کند؟

و برای مساعد کردن زمینه اجتماعی و سیاسی این غارت و اختناق چگونه می بایست فساد را در همه زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی جامعه گسترده کند و همه ارزشهای انسانی و

معنوی جامعه را به فساد و تباهی بکشاند؟

آنچه که امروز قدرتهای بیگانه رادر مورد کشورمانگران کرد
است موجی است که در جهت مخالف این اعمال دستگاه حاکمه ایران
از سوی مردم ایران بوجود آمده و روز به روز گسترده تر و عمیق
تر می شود.

عمق و گستردگی این جنبش اکنون به صورتی است که کشور ما،
را وسیله معامله و شانتاژ مصر و اسرائیل قرار داده است. رئیس،
جمهور مصر می خواهد بحران ایران را وسیله تحمیل صلح بوسیله،
امریکا بر اسرائیل قرار دهد.

با این منطق که مصر هر چه زودتر از زیر بار اشغال اراضی،
خود خلاص شود تا بتواند بخیال خود بانفوذ کمونیسم و دخالت
شوروی در خاورمیانه و آفریقا مقابله کند.
و اسرائیل صلح با مصر رادر گروادامه حمایت امریکا از،
رژیم استبدادی ایران قرار می دهد.

این شانتاژی است که از هر دو طرف به قیمت ضرورت ادامه اسارت
مردم ایران بوسیله نظام استبداد سلطنتی صورت میگیرد.
اما مضحکترین صورت مسئله تنها توافق مصر و اسرائیل بر،
سر ادامه حمایت از رژیم استبدادی ایران از طرف امریکان نیست
بلکه این مسئله است که آقای انور سادات می خواهد نقش ژاندارم
امریکائی رادر خاورمیانه و آفریقا برعهده بگیرد، رئیس جمهور
مصر می خواهد امریکا را از وضع کنونی ایران بترساند تا از طرف
اسرائیل را وادار به انعقاد قرارداد صلح با مصر کند و از سوی دیگر
به مصر سلاح و تجهیزات نظامی بدهد، اما بقول انور سادات و گفته

های او در برابر سناتورهای امریکائی مصر این سلاحها را نه بر،
 علیه اسرائیل بلکه در جهت جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه
 بکار خواهد برده.

مصر با چه وسیله‌ای میتواند این‌ماء موریت را به نفع امریکا،
 انجام دهد؟ با کدام سیستم اجتماعی و سیاسی مترقی و با چه زیر
 بنای اقتصادی و صنعتی؟ و با کدام قدرت تولید نظامی؟
 امریکا همین‌ماء موریت را به رژیم استبدادی ایران واگذار،
 کرد اما نتیجه به کجا منتهی شد؟

مصر کشوری عقب مانده و مقروض و از نظر سیاسی عاری از ضوا-
 بط دموکراسی است و چگونه و با ارائه چه الگویی میتواند از،
 نفوذ شوروی در منطقه و در آفریقا جلوگیری کند و این استدلالی
 بوج و عاری از منطق است جز آنکه رژیم عقب مانده مصر از موجود-
 دیت خود بیمناک است و میدانند وقوع یک انقلاب اجتماعی در ایران
 خواه ناخواه این موجودیت را بخطر می اندازد و نظامهای فئوال و،
 مرتجع خاورمیانه را در برابر یک الگوی تازه‌ای از استقلال و،
 آزادی و مقابله با نفوذ بیگانگان در منطقه قرار می‌دهد.
 آیا انقلاب اجتماعی ایران طبق منطق تبلیغاتچی‌های سرمایه
 داری غرب بازگشتی به ارتجاع و مخالفت با تعدد طلبی ادعائی،
 رژیم استبدادی ایران است؟ یا آنکه بر طبق منطق گروه دیگری
 از محافل ارتجاعی غربی جنبش‌کنونی ایران، کشور ما را بصورت
 زائده‌ای از جغرافیای سیاسی شوروی در آورده و حریم امنیت شوروی
 را تا آبهای گرم خلیج واقیانوس هند گسترش خواهد داد؟
 اکنون این هر دو بیم وجود دارد و به شدت بر علیه انقلاب اجتماعی

ایران تبلیغ میشود.

دشواری کار مانیز در طراحی مسیر انقلاب و موفقیت آن از همین جا آغاز میشود.

بدون تردید ما نمیخواهیم در هیچ چارچوبی اعم از مذهبی و ، سیاسی و اجتماعی مفهوم انقلاب و نهضت کنونی خود را در جهت بر- داشتهائی از مذهب بگذاریم که برخلاف احکام مذهبی جامعه ما را به مواضع ارتجاعی و رکود فرهنگی و استبداد فکری و جهت گیریهای قرون وسطائی باز گرداند و به این واقعیت نیز اعتقاد داریم که ما هرگز نمیخواهیم که تحول اجتماعی و سیاسی کنونی جامعه را با فساد حاکم بر جوامع مصرفی غرب و عوارض سرمایه داری کنونی جهان در آمیזیم .

و از جهت دیگر انقلاب اجتماعی ما هرگز در جهت تبدیل ایران به زائده جغرافیای سیاسی شوروی نیست .

ما بدوستی با شوروی و استفاده از مزایای همسایگی با آن نیاز مندیم و همچنین هرگز نمیخواهیم که کشور ما بصورت پایگاه ضد شوروی درآید، شوروی در زمینه تحولات اجتماعی و اقتصادی تحر هائی را از سر گذرانده است که استفاده از آن بصورت مختلف بر جامعه ما که در صد جست و جوی متریقی ترین راه حل های اجتماعی است بسیار مغتنم است اما این ضرورتها هرگز نمیتواند تقلید کورکوانه رانه از الگوی دیگران را توجیه نموده و موجب گسترش نفوذ قدرتهای جهانی بر استقلال ملی ما گردد .

انقلاب اجتماعی ما راهی جز استفاده از معیارهای دمکراتیک سوسیالیستی بر اساس ارزشهای مذهبی و قومی و خصوصیات جغرافیائی

و تاریخی جامعه ماندارده

ما خواهان گریز از دایره نفوذ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و نظامی سرمایه‌داری غرب و انحصارات بین‌المللی آن هستیم ما با اقتصادی که به تراکم سرمایه‌های خصوصی و بهره‌کشی انسانی و ایجاد انحصارهای اجتماعی منتهی شود مخالفیم زیرا یک کشور عقب مانده را جز از طریق استفاده از شیوه‌های سوسیالیستی در زمینه دمکراتیک نمیتوان به مرحله رشد و توسعه واقعی رسانده

مفهوم قسط در فرهنگ قرآنی و اسلامی جز این نیست که انسانها، به سهم استحقاقی ناشی از کار و کوشش خود در جامعه بدون هیچگونه تبعیض و محرومیت برسند.

منتهی استفاده از ضوابط سوسیالیستی نباید بر اساس تقلید کورکورانه از الگوهای دیگران و یا وسیله دخالت دیگران در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما گردد.

در این زمینه توصیه ما به جوانها مخصوصا اینست که مسائل، اعتقادی و فکری و سیاسی جامعه خود را در رابطه با مکتبهای اجتماعی جهانی با چشمی باز و آگاهی عمیق بنگرند، در همین لحظاتی که ما این سطور را می‌نویسیم جنگی شدید بین کاموج و ویتنام، درگیر است و در دوسوی این جنگ شوروی در کنار ویتنام و چین، در کنار کاموج قرار دارند و هرچهار کشور در اردوی کمونیزم جهانی هستند و نتیجه آنکه هیچ رژیم و وابسته بهر اصول اعتقادی و مسلکی سیاسی و اجتماعی از جاذبه مصالح ملی و قومی خود تا کیدیر حفظ، آنها حتی به قیمت جنگ با هم مسلکان خود خارج نیست.

این مسئله واقعیتی است که شاید هنوز در فرهنگ ضعیف سیاسی،

وعاری از سنتهای دمکراتیک جامعه ما مخصوصاً برای جوانها قابل ، درک نباشد ، درک صحیح از این واقعیت هیچ خدشهای به ضرورت اجرای یک تحول انقلابی عمیق برپایه مصالح توده های زحمتکش کشور و اتکای تفکر اجتماعی ما بر رشد و توسعه غیر سرمایه داری وارد نمی کند .

گسترش تضادهای مسلکی با مصالح ملی در جهان ما منحصر به دنیای سرمایه داری نیست ، انریکو برلینگوئر رهبر حزب کمونیست ایتالیا ، یعنی بزرگترین حزب کمونیست دنیای غرب میگوید : حزب او اگر به حکومت برسد هدفش استقرار سوسیالیسم با چهره انسانی است . یعنی همان راهی را که دو بچه در چکسلواکی قدم گذاشت و وقتی از او سؤال میشود اگر در این راه شوری به ایتالیا حمله کرده ، میکند ؟ برلینگوئر میگوید ما از این حمله هراسی نداریم ، زیرا ایتالیا در نظام کمونیستی هم در پیمان آتلانتیک باقی خواهد ماند .

این واقعیتی است که به ما اجازه میدهد در آغاز انقلاب اجتماعی ایران برخورد عقاید و آرای سیاسی و اجتماعی را در مسیری قرار دهیم که کشور ما را قربانی کشمکش قدرتها بر اساس منافع ملی اقتصادی و سیاسی آنها نکند .

در جهان امروز با اینگونه تحولات اصرار بر وجود قطعی تضاد ، بین ارزشهای مذهبی و ارزشهای ایدئولوژیکی چیزی جز بیخبری ، و وجود جاذبه های تصنعی در ذهن آدمی نیست ، توجه به خصوصیات ، مذهبی و تکیه بر آنها در تدوین برنامه های اجتماعی و اقتصادی انقلاب هرگز نشانه ارتجاع و یابی اطلاعی از قوانین علمی حرکت

تاریخ در مسیر حاکمیت زحمتکشان نیست .

در قرآن بطور صریح در سوره حدید آمده است که ما پیامبران را با نشانه‌هایی مبعوث کردیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا میان مردم قسط و عدالت برقرار سازند . بنا بر این رسالت پیامبران برقراری عدالت است و رسالت و تعهد هر انسان آگاه در هر عصر و در هر مکتب و مسلک اجتماعی و سیاسی نیز جز این نیست ، یعنی برقراری عدالت یا ایجاد شرایط عادلانه اجتماعی و اقتصادی برای افراد جامعه ، و در این مسئله نیز تردیدی نیست که برقراری عدالت مرادف با از بین بردن ظلم و ستم - جامعه است و طبیعا نابودی این و برقراری آن جز از راه مبارزه بهر طریق و بهر وسیله میسر نمی شود .

زیرا همیشه شرایط ظالمانه اقتصادی و اجتماعی با اعمال خشونت و زور بر مردم تحمیل میشود و این شرایط با ایجاد سازمانها و بنیادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی صورت قانونی بخود میگیرد و با اعمال زور جزئی از فرهنگ جامعه و خلیقیات و آداب و سنن اجتماعی جامعه میگردد .

در این صورت برای برقراری شرایط عادلانه اجتماعی و اقتصادی باید بنیادهای قانونی وابسته به آن از بین برود و سازمانها و نهادهای تازه‌ای که حافظ شرایط عادلانه اجتماعی و اقتصادی است بوجود آید و این تلاش و تکاپو هیچگاه از راه مذاکره و مصالحه و مسالمت جوئی به ثمر نمیرسد زیرا هیچگاه کسانی که از شرایط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی جامعه استفاده میبرند و برای حفظ مواضع ،

اجتماعی و اقتصادی خود به ایجاد ابزار و وسایل زور و خشونت دست می زند بدون مقاومت و بدون استفاده از وسایل زور و خشونت، از مواضع قدرت عقب نشینی نمیکنند .

بنابر این در هر مذهب و مسلکی که رسالت و پیام اصلی آن، برقراری عدالت است وسیله ای جز مبارزه وجود ندارد و برای این که هدف مبارزه و راه مبارزه برای افراد جامعه یعنی توده های، زحمتکش وزیر ستم مشخص شود وسیله ای جز آگاهی و بیداری توده ها ندارند، توده های زحمتکش باید به وسیله آگاهی از کیفیت روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی مطلع شوند و وجود بدبختی و محرومیت خود و خشونت و زور قشرهای حاکمه را امری جبری و تقدیری محتوم، نپندارند .

و خیال نکنند که در لوح سرنوشت تقدیر ^{آنها} بدبختی و فقر است و گروه حاکمه مستحق خوشبختی و ثروت و رفاه هستند .

و بیداری و آگاهی راهی است که به مبارزه منتهی میشود و مبارزه برای بدست آوردن شرایط عادلانه زندگی وسیله ایست که به تشدید آگاهی توده ها و افزایش علاقه آنها به مبارزه منجر می گردد و این همه میسر نمیشود مگر از طریق سازمان و تجمع و جست و جوی نقاط وحدت و اشتراک

بنابر این اگر هدف جست و جوی عدالت و شرایط عادلانه اجتماعی و اقتصادی است هر مذهب و مسلکی که حاصل ایر پیام باشد میتواند و باید در طرح اصلی انقلاب اجتماعی جامعه سهم خاص خود را داشته باشد و بشکل و محتوای انقلاب اجتماعی جامعه خصوصیت قومی، ملی و انسانی و تاریخی و جغرافیائی خاص آن را القا کند .

گریز از این خصوصیات و شانه خالی کردن از برقراری رابطه با آن علامت تجددطلبی نیست بلکه نشانه صوری بودن ذخائر فرهنگی جامعه است.

جامعه‌ای که قابلیت تولید فرهنگی ندارد مقلدی است مجذوب که نه تنها مصنوعات فکری دیگران را بدون دخالت مصرف میکند بلکه علل و عوامل اجتماعی و اقتصادی فرهنگی را هم که مولد این مصنوعات است بی‌تأمل می‌پذیرد.

و بدینگونه است که ما میراث اجتماعی و فرهنگی دیگران را در شاخه‌های مختلف مسلکی و علمی و فنی می‌پذیریم و آنرا در محیط خود که هیچگونه رابطه علت و معلولی با آن میراث اجتماعی و فرهنگی ندارد مورد استفاده قرار می‌دهیم.

علل شکست نهضت‌های مادر گذشته جز این نبوده است که تسلط

استعماری بیگانه بطور مداوم جامعه ما را از خلاقیت فرهنگی بر اساس پیشرفت اجتماعی و اقتصادی نیروهای تولیدی باز داشته است به عبارت دیگر، از تجربه تغییرات طبیعی شرایط اجتماعی، و اقتصادی جامعه خود بر اساس خصوصیات تاریخی و جغرافیایی، کشور خود بخاطر تسلط دائمی قدرت‌های بیگانه بازمانده ایم، و بهمین علت مرجع ماخذ اجتماعی محرک‌های انتقادی و اعتراضی، ما بر علیه شرایط ظالمانه سیاسی و اقتصادی قدرت حاکم پیوسته الگوها و سرمشق‌های وارداتی بیگانه بوده است.

و اکنون اگر انقلاب اجتماعی مادر همان مسیر تقلید از الگوهای بیگانه و همراه با وابستگی به قدرت‌های سیاسی ناشی از آن گام بردارد بهره‌ما از این همه تلاش جز شکست و یا اسارتی تازه،

راه انقلاب اجتماعی ما رسیدن به عدالت و جست وجوی مترقیتر
و اصیل ترین شرایط عادلانه اجتماعی و اقتصادی است ه
همه جنبشها و همه انقلابات جهانی و همه مذاهب اصیل و مسلکهای
اجتماعی هدفی جز رسیدن به عدالت و دست یافتن به مترقیترین
مفهوم اجتماعی و اقتصادی عالی نداشته اند عدالت در مفهوم ،
آزادی بیان و آزادی انتخابات و آزادی فعالیت های سیاسی و محفوظ
بودن جان مال افراد در پناه قانون و یا استقلال قوه مجریه و
قضائیه و مقننه از یکدیگر و یا مسئول بودن وزراء در برابر پار-
لمان محدود نمیشود، این گونه تلقی از عدالت تلقی طبقاتی،
بر مبنای تجزیه و تفکیک مصالح افراد در محدوده توانائیهای و
امکانات اجتماعی و اقتصادی آنها می باشد ه
جامعه ما پس از قرنها اسارت و ستمکشی و با توجه به تجربیات
انقلابی دیگران میراثی که از مبارزه بشریت در راه رسیدن به
مفهوم واقعانه تری از عدالت برجای مانده است نیازی بدینگونه
عدالت ندارد و این نوع عدالت بر هر مبنای اعتقادی اعم از مذهبی
و یا مسلکی قادر به این نیست که توده های زحمتکش جامعه ما را
از ارزشهای واقعی کار و رفاه و فراغت و شکفتگی استعدادها و شرکت
هرچه مستقیم تر در رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه و مصون بودن
هرچه بیشتر از خشونت و تبعیض و دور بودن هرچه عمیقتر از تمرکز،
قدرت بدست گروههای معدود بر خوردار کند ه

**نظام سیاسی ایران چه
خصوصیاتی باید داشته باشد؟**

*** میراث انقلاب کنونی ما متعلق به همه
افراد و گروهها و نیروهائی است که از
هر عقیده و مسلک بطور مستقیم یا
غیرمستقیم در آن شرکت داشته‌اند.**

انقلاب اجتماعی ما دارای خصوصیات ویژه‌ای است که نخست در ،
نابودی بنیادهای ظالمانه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تجلی ،
میکند و پس از آن در جست و جوی شرایط عادلانه زندگی در چا چوبه
ارزشهائی انسانی و عاری از هرگونه مایه‌های خود کامگی و ،
قدرت طلبی مشخص میشود .
در این صورت است که راه مبارزه و خصوصیات سیاسی انقلاب ،
کنونی ایران معین میگردد .
در این خصوصیات سازشکای و مصلحت‌گرایی بنگاهها و کلوییها
ورشکسته سیاسی راهی ندارند .
در این خصوصیات مقلدان و مرعوبین و مجذوبین کانونهای ،
قدرت جهانی و وارد کنندگان مصنوعات فکری و مسلکی دیگران راهی
ندارند .
در این خصوصیات برای افراد و گروههائی که بخواهند اصل و

اساس هدف یعنی عدالت را تحت الشعاع احکام و اصول اختراعی، خود درآورند و شرایط اجتماعی و اقتصادی عدالت را با توجیحات غیر علمی و غیر منطقی به خرافات قرون وسطائی پیوند زنند، جایی وجود ندارد.

کسانی که مدعی سوسیال دموکراسی هستند و بر اساس ضوابط غیر قانونی بر سر کار آمده اند در این مبارزه سراسری و مردمی، جامعه ما، عوامل فریب و گمراهی بیش نیستند. زیرا جامعه ما فرمتی برای عبور از راه‌حلهای بورژوازی و لیبرالی برای طی کردن دوران عقب افتادگیهای طولانی گذشته خود را ندارد و راه‌حلهای لیبرالی جز وسیله‌ای برای بازگشت بدوران گذشته نخواهد بود.

انقلاب اجتماعی ایران هرگز نمی‌تواند در زیر رهبری کسانی قرار گیرد که در تمام دوران ۲۵ سال گذشته یعنی خشونت‌بارترین دوره تاریخی ایران روشی جز سکوت و سازشکاری و همکاری با رژیم ویا استفاده از شرایط اجتماعی و اقتصادی فاسدان نداشتند، اکنون بدروغ خود را در شما مخالفین و قربانیان رژیم و مبارزان راه آزادی جا میزنند.

اینگونه افراد نقشی جز همگامی ظاهری و دروغی با انقلاب، ایران برای منحرف کردن آن و فریب دادن افکار مردم ایران و، به بیراهه کشاندن آنها ندارند.

کسانی که در تمام دوران با حقوقهای کلان و شرایط اجتماعی مرفه و با تضدی شرکتهای مقاطعه‌کاری و مشاور بودن در موسسات با استفاده از حقوق و مزایا وجود خود را با سکوت و تسلیم برای رژیم

حاکم قابل تحمل کرده بودند و هرگز نمی توانند ادعای رهبری، کنند و یا بعنوان روبه روشن با واقعیت برای نجات کشور از بن بست در مقام طلبکاری از مردم برآینده

نظام سیاسی ایران و دولت منتخب آن باید بر اساس مبانی و اصول انقلاب اجتماعی ایران ایجاد شده

بنا بر این تا هنگامی که نظام سیاسی کنونی از نظر مردم ایران و مبانی انقلابی آن غیر قانونی است دولت مخلوق آن هم فاقد مرجعیت قانونی می باشد

نظام سیاسی مبتنی بر اصول و مبانی انقلاب اجتماعی ایران، دارای خصوصیات زیر است :

- ۱- بنیادهای سیاسی حاکم بر امور کشور بطور کلی بر اساس، انتخاب و رأی اکثریت افرادی که دارای صلاحیت قانونی شرکت در، انتخاب و رأی هستند ایجاد خواهد شده
- ۲- تعیین حدود آزادیها و حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، مردم ایران از صلاحیت بنیادهای حاکم بر امور کشور خارج است. ه حدود قانونی این آزادیها و حقوق باید بتوسط نمایندگان واقعی مردم و با مراجعه به مترقی ترین اسناد و مدارک جهانی مربوط، به حقوق بشر و آزادیهای اساسی ناشی از تحولات مبانی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی این حقوق معین و مشخص گردد
- ۳- مبانی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حقوق افراد کشور ناظر بر حق حاکمیت اکثریت جامعه بر سر نوشت خویش و متضمن حق برخورداری افراد کشور از جمیع امکانات جامعه می باشد
- ۴- همه ارزشهای اعتقادی مذهبی و سیاسی و اجتماعی باید در،

خدمت استقرار این حقوق و تصمیم و تکامل و حمایت آن باشند. و به این ترتیب هرگونه اجبار و فشاری بنام ارزشها در جهت محدود کردن این حقوق و یا جلوگیری از تکامل آن برخلاف مبانی انقلاب اجتماعی ایران خواهد بود.

۵- انقلاب اجتماعی ایران متکی بر ضوابط معنوی اسلام در، جهت استقرار عدالت و همچنین متکی بر میراث‌های است که همه، انسانهای محروم و ستمدیده جهان در جنبشهای انقلابی خود برای عدالت بدست آورده‌اند.

۶- ضوابط و ارزشهای اجتماعی و اقتصادی عدالت‌پیشرفته، وسائل تولید و توسعه علوم و دانش‌های بشری و گسترش روابط انسانی در تغییر و تکامل مداوم است بنابراین مبانی اساسی انقلاب، اجتماعی ایران فارغ از هرگونه جمود و رکود فکری و اعتقادی و، مسلکی باید ناظر بر این تحول بوده و با حفظ اصول تغییر ناپذیری آزادی و استقلال فردی در چهار چوب مصالح اجتماعی و اقتصادی، جامعه آماده برای پذیرش تکامل و ارزشهای ناشی از، آن باشند.

۷- انقلاب اجتماعی ایران تا محو کلیه آثار سیاسی و اجتماعی اقتصادی استبداد و استعمار هرگز نمیتواند خود را در روشها و، تاکتیکهای مبارزه در چارچوب ضوابط قانونی دوران اختناق و، استبداد محصور کند.

تا هنگامیکه اهرمهای قدرت در دست هیئت حاکمه و عناصر ارتجاعی وابسته به بیگانه هستند مبارزه در شیوه‌های انقلابی آن ادا نمیشود و خواهد داشت.

- ۸- انقلاب اجتماعی ایران باید بطور صریح جدائی و استقلال خود را از همه قدرتهای بیگانه و ایدئولوژیهای که برای این، قدرتها وسیله تجاوز و نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادیست حفظ کند. اندیشه انقلابی ما در برگیرنده همه شیوه‌ها و اندیشه‌های بر-اندازنده بیعدالتی و استبداد و اختناق است.
- ادراک و اندیشه انقلابی اصیل از هرگونه قالبهای از پیش ساخته و یا منبعاث‌زدیگران بدور است.
- آنچه که نهضت‌های واقعی را بوجود می‌آورد و محتوی و قالب آن را شکل می‌بخشد، تجربه انقلابی توده‌ها با اتکاء بر خصوصیات تاریخی و جغرافیائی کشور است.
- ۹- میراث انقلاب‌کنونی ما متعلق به همه افراد و گروه‌ها، و نیروهای است که از هر عقیده و مسلک بطور مستقیم یا غیر، مستقیم در آن شرکت داشته‌اند، شهدای انقلاب و همه کسانی که در این راه با اعتقاد به مبارزه بر ضد بیداد و ستمگری جان باخته‌اند، به تاریخ گرانقدر این انقلاب تعلق دارند.
- هیچکس را در این راه برکس دیگر رجحانی نیست، انکس که آگاهانه با استبداد و نظام ستمگری مبارزه کرده شهید راه آزادی است.
- ۱۰- ملت ما سالیان دراز از بیداد نظام استبدادی رنج برده، است و اکنون بیش از همه و قتیبه همبستگی و همدردی و تفاهم نیاز دارد.
- همبستگی برای ادامه مبارزه که هنوز در آغاز راهیم و همدردی برای جلوگیری از تفرقه و نفاق که دشمن اصلی شکست است.
- ما در راه مبارزه با دشمن بلاترین حد بلوغ سیاسی دموکراسی و ضوابط عادلانه اجتماعی و اقتصادی باید این آگاهی را حفظ کنیم

هیچگونه گرایش مذهبی و مسلکی در مرزهای افراطی خود قادر به ایجاد تفاهم و بردباری در سطح جامعه نخواهد بوده
این واقعیت باید بطور دقیق مورد قبول رهبران مذهبی و سیاسی و فکری قرارگیرد که ما جامعه‌ای ضربه‌خورده و آسیب‌پذیر است و دوام طولانی میکرباختناق و فساد و استبداد در بدن جامعه ما آن را برای هرگونه بیماری آماده ساخته است.
بنابر این پافشاری بر مواضع افراطی مسلکی و اعتقادی — نتیجه‌ای جز ایجاد دشمنی و خصومت در میان گروه‌های جامعه و جدائی‌های تازه منتهی نمیشود.
تاریخ معاصر ایران به اندازه کافی از این تجربه‌های تلخ‌آمی-یخته باشکست لبریز است.
بنابر این وظیفه و مسئولیت تاریخی همه قشرهای آگاه جامعه، اعم از روحانیون و دانشگاهیان و روشنفکران در طبقه‌های مختلف اعتقادی اجتناب از اینگونه جدائی‌ها و جلوگیری از شکست‌های احتمالی ناشی از تعصبات کورکورانه است.
۱۱- اگر ما به اصل عدالت در متمدنی‌ترین مفهوم اجتماعی و اقتصادی آن اعتقاد داشته باشیم در این صورت تفاهم بر سر شیوه‌های عملی و راه‌حلهای آن کار مشکلی نخواهد بود، زیرا در زمینه راه‌حلهای اجتماعی و اقتصادی مشکلات گریزی جز استفاده از تکنولوژی و علوم و دانش‌های کنونی بشری و شیوه‌های عملی و تجربی، آن نیست، بنابر این گنجاندن مفهوم خالص و ناب عدالت در همراهی اعم از اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی هدف اصلی انقلاب

است.

بنظر ما اگر هدف این باشد هیچ اختلافی بین مواضع انقلابی اسلام تشیع و دموکراسی سوسیالیستی وجود ندارد.

۱۲- در این مرحله از انقلاب افراد و گروههایی که با تعصب خاص به مواضع احزابی متکی می شوند که در شکست نهضت انقلابی مردم ما، در گذشته سهم بسزائی داشتند دچار اشتباه بزرگ می شوند، این اشتباه از آنجا جبران ناپذیر است که اندیشه انقلابی خود را، با سوابق همراه با انحراف و شکست اینگونه احزاب مخلوط مینماید و گروههای انبوهی از جوانان ما را نیز بدنبال خود میکشند.

اگر اسناد و مدارک تاریخی چهل سال اخیر نهضت ما با انصاف و منطق علمی مورد بررسی قرار گیرد، در این صورت به این حقیقت میرسیم که تکیه بر چارچوب سیاسی و فکری احزاب گذشته و حمایت بی چون و چرا از مواضع آنها و عرضه کردن تفکر مارکسیستی در قالب وابستگیهای گذشته نهضت کنونی ما را از همین آغاز، دچار جدائی خواهد کرد و ما را قبل از آنکه به فکر نابود کردن بنیادهای قدرت استبدادی و استعماری بيفتیم بجان هم خواهد انداخته زیرا من از هم اکنون آثاری زیاد از عقده های رهبری و نمایش های کاذب رهبری را می بینیم که همراه با مداخلات و تملق گوئیها گویستایهای بسیار اغراق آمیزی در طریق بزرگ کردن افراد در روزنامه ها عرضه میشود.

امروز کسانی "به مقام والای انسانی و دانشمندان انقلابی بزرگ و خدمتگذار راستین ادب و فرهنگ ایران و شخصیت های کماب، در نوشته های تملق گویهای حرفه ای و انقلابی نعامتف می شوند که،

اگر دارای چنین صفاتی هم باشند نظیر آنها مخصوصاً در عرصه شهیدان راه آزادی ایران کمیاب نیست .

اینگونه القاب و صفتها که اینروزها به ارزانی نثار افراد میشود خود نشانه تبلیغ برای پرستش شخصیت است و از این تعلق گوئی های کاذب و سراپا مبتذل هیچگونه بوی خوشی در روند اخلاق و فرهنگ انقلابی ما نمی آید .

اگر کسانی که داعیه رهبری دارند اینگونه تعلق گوئیها را برایش بگیرند، نه تنها بزعم خود کمکی به گسترش فرهنگ انقلابی که اساس آن صداقت و خلوص عقیده است نمی کنند بلکه بدست خود فرس جهل و تعصب، و استبداد درادار زمینه نهضت انقلابی ما می گسترانند .

در این زمینه می باید همه ما در برابر شهدای گمنام و بینام انقلاب ایران و کسانی که در زیر شکنجه های هولناک رژیم جان خود را قربانی اعتقاد خود کردند احساس حقارت کنیم و نخواهیم که از میراث خونین و سراپا اسطوره ای آنان برای خود مایه ای دروغین از فضیلت و قهرمانی، بسازیم .

ما باید با تواضع راستین به سهمی که در این انقلاب داشتیم قناعت کنیم و اگر نفوذ کلام و خلوص و اخلاص داریم در راه ایجاد وحدت و تفاهم بگذاریم یا خراب کردن بت در صدد نابودی تفکر ضد انقلابی انقلاب است، و این انقلاب شامل اخلاق و شیوه و کردارمان نیز میشود ما باید کوشش کنیم که راهی را که مردم مادر شکل گیری اعتقاد انقلابی خود انتخاب کرده اند درک کنیم زیرا این راه منبعث از فرهنگ و تاریخ و مذهب اکثریت مردم ماست ما باید فرهنگ انقلابی خود را با توجه به تحول دائمی فرهنگ جهانی ایدئولوژیها و مسلک های غنی کنیم و در متن این فرهنگ،

خلوص و ایمان خود را بر اساس تقوی و پرهیزکاری و دوری از تعلق گوئی
و بت پرستی و خودخواهی و عقده‌های گوناگون ناشی از فساد و اختناق طو
لائی بنا کنیم

انقلاب بزرگ ما و مردم ما این استحقاق و قابلیت را دارد که بدور از ،
شگفتی های کاذب به کانونهای مسلکی و اعتقادی جهانی برای خود ،
فرهنگی بر اساس نیروی انسانی خویش و در جهت رهایی از همه وابستگی
های استعماری و استبدادی بوجود آورده

بگذاریم تا با اتحاد و همبستگی و تفاهم عمیق نسبت به نیازمندها
اصیل حرکت انقلابی ما این فرهنگ نوپای انقلابی در فضائی از وارستگی ،
و اخلاص و عاری از دروغ و گزافه و تعلق و خودخواهی بیالده

به انقلاب خود و وسعت و ایجاد عظیم و حیرت انگیز آن ارج بگذاریم ،
و به رهبری قاطع و پیامبرانه آن گردن بگذاریم آنچنان که از اینگونه ،
رهبری شجاعانه ، نه یک نظام بت پرستی بلکه مکتبی از معنویت ،
سیاسی در کانون پر آشوب و سرشار از آثار گوناگون فساد سرمایه داری ،
غربی بوجود آید

و این انقلاب است که میتواند در چنین گستردگی اعجاب آور خود پیش
گام الگوئی تازه برای رهایی مردم اسیر جهان عموماً و خاورمایینه
خصوصاً باشد

در اینجا گواهی صادق از آخرین دفاع خسرو روزبه یعنی یکی از در-
خشانترین چهره های انسانی تاریخ معاصر ایران نمی بینم .

این گواهی میبایست برای نسل جوان مادر انتخاب فرهنگ انسانی ،
انقلاب سرمسقی گویا باشد و آنرا بعنوان سندی زنده از این حقیقت ،
تلقی کنند که هر مسلک و عقیده سیاسی و اجتماعی در مسیر تجربه هموار

در برخورد با ضعف‌ها و خودخواهی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و سازشکار بی‌بهره در معرض انحراف و شکست قرار می‌گیرد اعتبار و اصالت هر اعتقاد و هر مسلکی با اخلاص و نیازهای اجتماعی و اقتصادی توده‌های زحمتکش رابطه مستقیم دارد.

هنگامی که انسانها از دو عامل آگاهی و بینش و اخلاص و ایمان بی‌ری باشند مسلک و مذهب و اعتقادات مسلکی و مذهبی جز وسیله پوشش فریب کاریها و خودخواهیها نخواهد بود.

"..... اگر زنده ماندن مشروط به هتک حیثیت ندادن به پستی، گذاشتن از آبرو، پانهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی، باشد مرگ صدبار بر آن شرف دارد.

آنها که طالب زندگی بخاطر زندگی هستند میتوانند بهای زنده، ماندن را بهر میزان که لازم باشد بپردازند و میتوانند عقاید و نظریات و آرمانهای خود را مثل پیراهن وزیر شلوار هفته‌ای دوبار عوض کنند. **میتوانند به مقدساتی که تا پشت میله‌های زندان بآن پایبند بودند پشت‌پایزنند.**

میتوانند فقط بخاطر جلب اعتماد بیشتر و تحصیل آزادی حتی دروغ هم بگویند، بهتان بزنند و آنچه را که به هیچوجه به حزب توده ایران، مربوط نبوده است به آن نسبت دهند.

چنین موجوداتی زندگی را مافوق همه چیز میدانند و همه چیز را با آن مبادله میکنند، خوب مردن هم مثل هرکاری دیگری مستلزم بلد بودن است.

چرا انسانی که بیش از دو ثلث از زندگی خود را با مرارت و سختی ولی در عین حال با تلاش و کوشش شرافتمندانه بخاطر انسانها گذرانده است

از مرگ بترسیده

هرکس وظیفه تاریخی مشخصی دارد .

عباسی وظیفه داشت بمیرد و حرف نزنند ولی من وظیفه دارم بمیرم و

حرف بزنم .

من زمانی دستگیر شدم که هیچ راز ملکوتی وجود نداشت

بهرامی ها قریشی ها و مخصوصا عباسی از سیر تاپیاز را گفته بودند

حتی مطالبی که فقط دونفر از آن واقف بودند

مثلا فقط من و عباسی از آن اطلاع داشتیم ، افشاشده بوده

حجم اطلاعات دستگاہ برآستی ده برابر مجموعه اطلاعات من بود .

درچنین شرایطی فقط یک وظیفه وجود داشت و آنهم دفاع از گذشته ،

حزب و افتخارات آن بوده

من میخواستم مثل جلسات اول با زپرسی به همه چیز پاسخ نه بدهم

نه تنها از اطلاعات دستگاہ تحقیق چیزی کم نمیشد

بلکه بدون تردید من امروز وجود خارجی نداشتم و مثل کوچک شوستری

و وارطان از زندان آزاد شده بودم .

فرق آنگونه آزادی با تیرباران اینست که هم این حرفها زده نمیشد

و هم حیثیت من بخطر میافتاد و ممکن بود تا مدتی عده ای تصور کنند که من

نیز واقعا مثل بهرامی و قریشی همه چیزم را داده ام و آزادی از زندان ،

را خریده ام من به مقتضای این تحلیل روشن بینانه بود که راه خودم را ،

مشخص کرده ام و اینک نیز آنرا با افتخار بپایان میرسانم .

من باینجهت در ایران ماندم تا علیرغم همه خطرات حانی کاری را

که امثال یزدی ها و بهرامی ها و قریشی ها و شرمی ها انجام نداده

بودند انجام دهم .

در حلقه کارزار جان دادن بهتر که گریختن بنا مردی ،
 من سنگر مبارزه را ترک نکردم و امروز نیز تمام عواقب آن را باروی ،
 گشاده تحمل میکنم

"خسرو روزبه را محکوم کنید ولی شجاعت و شهامت و میهن پرستی و بشر
 دوستی و فداکاری را محکوم نکنید...."

بشر دوستی و فداکاری و علاقه به آب و خاک وطن مفهومی است که موضع ،
 دقیق و خالصانه انسانها را در جهان بینی اعتقادی آن اعم از مذهبی و
 مسلکی مشخص میکند ، و این همه برای این است که جامعه انسانی بدون ،
 تبعیض و بدون بهره کشی و بدون اختناق به مفهومی هر چه گسترده تر و ،
 عمیق تر از عدالت اجتماعی و اقتصادی برسند .
 عدالتی که نه تنها موجب رفاه مادی و ورهائی انسان از فقر و جهل است
 بلکه موجب تعالی حیثیت آدمی و ورهائی او از تحقیر و تحمیق
 و ذلت هر قدرت خودکامه ای می باشد .

پایان

۱۷ ربهال



کانون نشر و انتشارات ناصر

قسم - خیابان اراک پشت قبرستان نو پلاک شماره ۳۳

دیجیتال کننده : **نینا پویان**